

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوستان گرامی!

پیش از هر چیز درود های گرم ما را بپذیرید. مانند شما ما هم بسیار از این شادمانیم که در میان رزمندگان ضد استعمار و ارتجاع در سپهر ما یک روند تحکیم و بهم پیوستگی در میدان نبرد هر روز با شتاب بیشتری پیشرفت میکند. ما مبارزات پر شور و پر از خود گذشتگی و شهامت شما را با احساس آفرین دنبال میکنیم و تشویقات

۲۱ اردیبهشت - روز زندانیان سیاسی

روز ۲۱ اردیبهشت از شهادت قهرمان ملی و انقلابی ایران، روزیه یاد میکنیم که در آستانه مرگ باز هم توانا تر از زندگی بود. در هنگامه شکستها و صحنهها و ارتداد پس از کودتای ۲۸ مرداد، این روح توفنده و آشتی ناپذیر که ۱۳ سال از زندگی خود را در زندانهای شاه و مخفی گاهها گذراند، تصمیم گرفت درستگر مبارزه استوار بماند، در لحظه سر نوشت بمشابه لحظه ای از هستی و پایداری و دلاوری خلق خود عمل کند و به بهای نثار جان خود روانهای افسرده و خاموش را زندگی و جنبش تازه بخشد. او چند ماه قبل از بازداشت خود نوشت: «... وظیفه خود میدانم که بقیمت جان خودم این سقوط روحیه را جبران کنم. اگر چنین توفیقی دست دهد، دست داد و روزبه با مقاومت مسلحانه خود در برابر حمن، با پایداری در قبال شکست و ایذاء بدافع پرشور از آرمانهای حزب خود، پرچم فرور و سرفرازی خلق خود را رو در روی اردوی دشمن سیاهکار برافراشت. روز به با شهادت خود به نسل جوان درس زندگی و پیکار داد. دفاعیه او در دادگاه نظامی که برای اولین بار از طرف حزب ما نشر یافت و تاکنون در چندین ده هزار نسخه منتشر شده است، یک نسل جوان انقلابی در میهن ما پرورده است که زندگی و مبارزه روزبه را نمونه زندگی و مبارزه خویش قرار داده اند، نسلی که علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم حامی او میزند و تا محو طغی آنها از پای نخواهد نشست.

روز شهادت «روزبه»

روز همبستگی با مجاهدان زندانی

پنجمین سال است که کمیته مرکزی حزب توده ایران، ۲۱ اردیبهشت روز شهادت «روزبه» را که بحق مورد احترام، ستایش و تجلیل همه نیروهای میهن پرست و مخالف رژیم است روز «دفاع از زندانیان سیاسی» اعلام نموده و از آنان خواسته است که یاد کرد از شهادت روزبه را به یک عمل رزم آورانه

قانون و گارد ضد کارگری

مجلس سنا در جلسه دوم اردیبهشت لایحه قانون مجازات اخلاکگران در صنایع، را بطور فزاینده تصویب و بدولت ابلاغ کرد. به موجب این قانون بدولت داده شده ده گارد محافظ در ده واحد بزرگ صنعتی یعنی واحد های ذوب آهن، پتروشیمی، گاز، فولاد، ماشین سازی اراک و تبریز، آلومینیوم ایران و مس سرچشمه، کرمان، شرکت صنایع هلیکوپتر و هواپیمائی ملی ایران تشکیل میشود. بهانه ظاهری دولت در تنظیم لایحه، قانون مجازات اخلاکگران در صنایع، و تشکیل گارد محافظ در واحدهای بزرگ صنعتی گویا جلوگیری از اخلاک عمده و سوء قصد و حفظ اموال و تأسیسات این واحدها است. ولی واقعیت این است که هم تصویب قانون و هم تشکیل گارد هدفهای ضد کارگری دور و درازی را تعقیب میکند. تصویب کنندگان قانون نیز خود با تمام کوششی که بکار برده اند نتوانسته اند هدف ضد کارگری، قانون مجازات اخلاکگران در صنایع، و تشکیل گاردهای محافظ را پوشیده دارند. مثلا در قانون ضمن آنکه برای انهدام عملی تأسیسات خیس چنانی درجه یک ازینج تا ۱۵ سال و حتی اعدام در نظر گرفته شده برای موارد وحالات دیگر اخلاک و «خرابکاری» چنین مقرر میگردد: عملی که به قصد اخلال یا خرابکاری موجب تعطیل و از کار افتادن تمام یا قسمتی از واحدها و تأسیسات صنایع گردد بدون آنکه

همبستگی با مجاهدان زندانی بدل نمایند. حزب ما پیوسته معتقد بوده و هست که منافع مبارزه با امپریالیسم، مبارزه همه جانبه ای را در راه دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی و سیاسی کشور ما ایجاد میکند و دفاع از زندانیان سیاسی حلقه مهمی از این مبارزه است. بویژه در شرایط کنونی که زندانهای شاهانباشته از دلاوران زندانی است و رفتار جلادان با زندانیان سیاسی بیشتر از هر وقت وحشیانه و دور از موازین قانونی است، فقط مبارزه یگانه و بهم پیوسته همه نیروهای ضد امپریالیست و مخالف رژیم میتواند دیکتاتور فاشیستی را پیش از پیش رسوا کند و آنرا به عقب نشینی ناگزیر سازد.

سختگیری رژیم تشدید میشود!

رژیم شاه که در عرصه اقدامات ضد ملی، ضد خلقی و ضد دموکراتیک خود با شتاب بیشتری به پیش میازد، از ناخرسندی همگانی هراس دارد و برای جلوگیری از بروز این نا رضائی شدید در چند سال اخیر به بگیر و ببند و کشت و کشتار پر دامنه ای دست زده است. مجله «اکنونیست» سخنگوی سرمایه داری امپریالیستی اخیراً فاش کرده است که در زندان های مرکزی و محلی ایران از ۲۵ تا ۴۰ هزار نفر زندانی وجود دارد. این پیکره بهر حال نمودار آنست که تعداد زندانیان سیاسی در سراسر ایران به مراتب از آنچه که رژیم مدعی است یا در ظاهر بنظر میرسد بالاتر و بیشتر است.

در زندانها که مأموران دهنش ساواک با مقاومت و پرخاش زندانیان سیاسی روبرو هستند، فشار و سختگیری بر زندانیان را تشدید کرده اند و برای انتقامجویی از زندانیان مقاوم، هر عمل و اقدام آنها را بهانه ای برای یورش و هجوم تازه خود قرار میدهند. در غالب زندانها چه در تهران و چه در شهرستانها کماندو ها را مستقر کرده اند، به بهانه های گوناگون زندانیان سیاسی را از دیدار بستگان خود محروم میکنند دنباله در صفحه ۲

منتهی بالهدام تمام یا قسمتی از آنها گردد مجازات خیس درجه دو از دو تا ۵ سال دارد. هم چنین نه فقط افراد جداگانه بلکه «سر دسته های» جمعیها نیز میتوانند تحت عنوان اخلال در کار صنایع، وارو جرمی واقع نشده باشند تحت تعقیب قرار گرفته و مجازات شوند. در ماده دیگر قانون گفته میشود: «در صورتیکه برای ارتکاب این جرائم، دسته یا جمعی یا بیشتر تشکیل شده ولی هیچیک از جرائم فوق واقع نشده باشد هر یک از محرکین و سر دسته های جمعیت برای همین عصل به شش ماه تا دو سال و هر یک از سایر اعضاء به سه ماه تا یکسال خیس جنجه محکوم خواهند شد. «...» مثالی است که میگوید: «جوالدوز در جوال پنهان نمی ماند». اقدام ضد کارگری دولت در تصویب و اجرای «قانون مجازات اخلاکگران در صنایع» و تشکیل گاردهای محافظ در واحدهای بزرگ صنعتی را تحت عنوان جلوگیری از «اخلال عمدی» و «سوء قصد» و یا «حفظ اموال و تأسیسات» این واحدها نمیتوان روپوشی کرد. هدف از تنظیم و تصویب این قانون اقدام به تشکیل گارد محافظ در واحدهای بزرگ صنعتی ایران مقابله با جنبش اعتصابی و مبارزات قانونی و بحق کارگران به منظور تأمین خواسته های صنعتی و اجتماعی آنان میباشد.

دنباله در صفحه ۲

پیام حزب توده ایران به مجاهدین خلق ایران

شما را تا آنجا که بدست ما میرسد بررسی مینمائیم. ما به دلیری یاران شما که جان خود را در راه مبارزه برای منافع خلقهای زحمتکش میهن ما فدا میکنند با دیده ستایش مینگریم و یاد آنانرا مانند بهترین فرزندان حزب خود گرامی میداریم. صرف نظر از اینکه ما در این و یا آن مورد، لحظه ای را که برخی از این مبارزان برای بیکار بستن این و یا آن شیوه مبارزه برگزیده و یا برمیگزینند مناسب ندانیم.

چرا ما به تلاشهای انقلابی شما و یارانتان با دیده ستایش نگاه میکنیم؟ پاسخ این پرسش را به بهترین وجهی خود شما در بیانیه مورخه ۲۰ ژانویه ۵۲ خود بنام «پاسخ مجاهدین خلق ایران به اتهامات اخیر رژیم» داده اید. برای ما کافی است که بعضی از کلمات آنرا جا بجا کنیم؛ مشکلی نیست که نظریات مارکسیست ها با نظریات مبارزان انقلابی مسلمان در همه زمینه ها با هم یکی نیستند، ولی تردیدی هم نیست که نظریات ما و شما با سیاست ارتجاعی رژیم کنونی شاه هیچ چیز مشترکی ندارند. بنظر ما آن مسلمان انقلابی که در برابر بیدادگری رژیم و برای پاره کردن زنجیرهای بردگی استعمار نوین قد برافراشته است در همان راهی گام بر میدارد که مارکسیست - لنینیست ها و اقامی پیش گرفته اند.

ما مانند شما بر آنیم که همه رزمندگان راه خلق اصل آزادی اندیشه را محترم میشمارند و از اینرو یک انقلابی مارکسیست - لنینیست هرگز نمیتواند دشمن یک مسلمان انقلابی باشد. آنچه در مرحله کنونی نبرد آزادبخش ملی میهن ما دارای اهمیت تعیین کننده است همانا بهم پیوستگی همه مبارزان ضد رژیم در استوار کردن این یگانگی است. بدیگر سخن چینه متحد نیرو های ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی میهن ما مهمترین جنگ افزار ما در نبرد دشوار برای سرنگون ساختن دشمن خونخوار است. آنچه برای بنیادگذاری چنین جبهه متحدی ارزش پایه ای دارد این است که در جریان نبرد مشترک

در برابر دشمن مشترک، عهده ترین بخش مربوط به تعیین هدفهای مرحله کنونی جنبش انقلابی میهن ما و تشخیص نیروهای دوست و دشمن و موضعگیریهای ما بیش از پیش بهم نزدیک شده اند و در زمینه بزرگتری اشکال گوناگون مبارزه و بیکار بستن و بهره گیری از این اشکال در موارد گوناگون امکان یک گفتگوی خلاق بین ما باز میشود.

ما مانند شما تأیید میکنیم که نبرد ما یک نبرد ماهیتاً طبقاتی است که در آن نیرو های استعمار شده بر ضد نیرو های استعمار کننده در پیکارند.

ما مانند شما بر آنیم که در برابر توده های رنجبر میهن ما غارتگران داخلی و چپاولگران بین المللی رده متحذی بوجود آورده اند.

ما هم مانند شما در جهان یک استعمار بیشتر نمیشناسیم و بر آنیم که امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی بزرگترین دشمنان خلق ما هستند. ما هم مانند شما یک ارتجاع بیشتر نمی شناسیم و بر آنیم که رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه مظهر این ارتجاع است. اینهاست آن عهده ترین نکاتی که بنای همکاری همه جانبه شما و ما را در نبرد دشواری که در آن درگیر هستیم، پی ریزی میکند.

اما ما هم مانند شما بر آنیم که در این نبرد هر اندازه هم که امروز دشوار باشد پیروزی نهایی نیرو های خلق است و گرایش همگانی جنبش ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی در سراسر جهان بما نوید میدهد که این پیروزی دیگر زیاد دور نیست.

امروز ما در جهانی زندگی میکنیم که ویژگی عهده آن تغییر روز افزون تناسب نیرو ها بسود نیروهای هوادار استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی و زبان نیرو های ارتجاعی و امپریالیسم است. تنها رویدادهای مثبت چند سال گذشته در منطقه ای که کشور ما در آن قرار دارد گویا ترین شاهد این تغییرات است. در کشور همسایه ما عراق نیرو های هوادار

دنباله در صفحه ۲

زنده باد جنبش حق طلبانه طبقه کارگر!

بیش از چهار هزار نفر کارگر ساختمانی بالا پیشگاه جدید تهران از روز سه شنبه بیست و پنجم اسفند ماه یکپارچه و آگاهانه دست به اعتصاب زدند. مبارزه اعتصابی کارگران علیه استعمار بیرحمانه یک شرکت آلمانی - امریکائی که شرکت ملی نفت کار توسعه بالا پیشگاه تهران و ساختمان بالا پیشگاههای بوشهر و بندر عباس را بآن واگذار کرده است، صورت گرفت. این شرکت هزاران نفر کارگر ماهر را بطور روز مزد یا پیمانی بکار گرفته و شدیداً آنها را استثمار میکند. تاکنون گوش شنوایی برای توجه به خواسته های مشروع آنها چه از طرف شرکت ساختمانی و چه از طرف شرکت ملی نفت و مقامات دولتی وجود نداشته است. کارگران از وسیله رفت و آمد بشهر محرومند، غذا خوری در محل کارشان وجود ندارد، از پاداش معمول عید واز بیست در صد سود ویژه ای که بملت تبلیغات را بکارانه و برای قریب کارگران است، خبری نیست. هرگاه کارگری بعلت بیماری و یا نداشتن وسیله نقلیه غیبت کند مشمول نظامات جبارانه شرکت شده و جریمه سنگینی از حقوق ناچیز او کم میشود. در چنین وضعی کارگران باتکیه به نیروی اتحاد خود دست از کار کشیده، خواسته های خویش را در پنج ماده زیرین تنظیم و اجرای آنها را خواستار شده اند: ۱ - پرداخت بیست در صد از سود ویژه ۲ - تأمین وسیله رفت و آمد بشهر ۳ - پرداخت پاداش عید ۴ - ایجاد غذا خوری در محیط کار ۵ - کم کردن فقط مزد یک روز در مقابل یک روز غیبت و حذف جریمه. این خواسته ها همه مشروع و منطبق با قوانین موجود است. شرکت نفت و مقامات دولتی بجای توجه باین خواسته ها مانند همیشه ژاندارمها را بجانب کارگران انداختند تا آنها را اجباراً بکار وادارند، عده ای از آنها را بطرزی وحشیانه بازداشت کرده و فهرست سیاهی از مشخصات پانصد نفر کارگر آبادانی که فعلاً در تهران کار میکنند، تهیه و با این ادا که آنها مجرم اعتصاب

دنباله در صفحه ۲

گویا

گوشه هائی از سیاست رژیم

دامنه تجاوزگری بسط مییابد

بنا باطلاع وجهه آزادیبخش اریتره (مندرج در صوت الثورة) ارگان جنبه آزادی خلیج شماره ۹۰) دامنه تجاوزگری ایران تا اریتره و سومالی رسیده است. هیلا سلاسی امپراطور حبشه از نیکسون کمک نظامی خواست و نیکسون حواله به ژاندارم منطقه، یعنی شاه ایران کرد و شاه ۱۵ هواپیمای فانوم و تعدادی کارشناسان نظامی در اختیار امپراطور حبشه گذاشت که در جریان سرکوب جنبش اریتره شرکت جستند. علاوه بر این کار خلبان برای امپراطور تربیت میکنند و در نقشه های تجاوزگرانه حبشه علیه سومالی شرکت دارد.

پول نفت بکجا میرود؟

در اولین هفته فروردینماه سال جاری اشرف خواهر توأمات شاه و معروف به «الهه فساد» در یک قمارخانه معروف شهر جنوبی فرانسه «کان» تنها در ظرف یک شب ۱۵ میلیون فرانک (بیش از ۲۰ میلیون تومان) باخت است. شاه جمهوری در دوران انتخابات ریچارد نیکسون، رئیس جمهوری کنونی امریکایوسئله اردشیر زاهدی مبلغ ۱۵ میلیون دلار بصندوق انتخاباتی جمهوریهایان کمک کرده است. در یکجا پول نفت صرف راجی های بی بند و بار اشرف و در جایی دیگر صرف تحکیم مواضع سیاسی انحصار های نفتی میشود.

چرا گوشت نایاب و گران است؟

در کنار غارتگری راهزنان عمده از قماش شاه و اشرف، چاکران درباری آنها نیز سرگرم چپاولند. یکی از علل گرانی و نایابی گوشت آنست که انحصار واردات گوشت در دست امیر اسدالله علم وزیر دربار شاهنشاه عاری از مهره است. انحصار و احتکار در دست این قوه نوکر درباری انظار مؤثری است برای غارت مردم زحمتکش ایران.

دنباله از صفحه ۱

قانون و گارد ضد کارگری

این امر که دولت بویژه در مرحله کنونی عمده ترین واحدهای بزرگ صنعتی مانند ذوب آهن، واحدهای پتروشیمی و کارخانه های ماشین سازی را که مراکز تجمع و تمرکز دهها هزار کارگر هستند مورد توجه اراده و توجع عنوان قانون مجازات اخلاکگاران در صنعت و تشکیل گارد محافظ عمال موجب محاصره نظامی آنها را فراهم آورده بویژه تصادفی نیست. ایجاد صنایع سنگین مادر نظیر ذوب آهن و ماشین سازی که بزرگت همکارهای فنی و اقتصادی اتحاد شوروی در کشور ما ایران ایجاد شده بهمراد امکاناتی که از نظر عینی برای تأمین استقلال اقتصادی، بی نیازی کشور بواردات آهن آلات و ساخت ماشین در کشور بوجود آورده، در عین حال به ایجاد کانونهای عظیم پروانباری صنعتی انجامیده که در نتیجه نهائی اهرم عمده تحولات انقلابی بشمار میاید.

هم اکنون در ذوب آهن ایران متجاوز از هشتاد هزار نفر کارگر مشغول بکار است که هیچ قدرتی نمیتواند اهمیت و موقع اجتماعی این نیرو را در جامعه ایران نادیده انگارد. ذوب آهن - کارخانه های ماشین سازی و واحدهای بزرگ معنی که بزرگت پایه گذاری صنایع مادر بوجود آورده اند که کنار واحد های بزرگ کارگری قبلی نظیر نفت و راه آهن و صنایع ماشینی نساجی مراکز تجمع پرولتاریای صنعتی به معنی واقعی آن هستند. مبارزات عظیم کارگری بویژه در مراکز صنایع سنگین مادر در کشور ما دیگر یک شیخ نیست بلکه واقعیت روز است. رژیم ضد کارگری کودتا نمیتواند از پیدایش چنین وضعی در هراس نباشد.

تدابیر احتیاطی رژیم که از هم اکنون در صدد بر آمده است با تصویب قوانین نظار فریبنده به مقابله با مبارزات صنعتی و سیاسی کارگران ایران برخیزد و بویژه با یکلهای عمده پروانباری صنعتی ایران را در محاصره گارد نظامی قرار دهد قانع نیست از اعتلاء

دنباله از صفحه ۱

پیام حزب توده ایران به مجاهدان...

پیشرفت اجتماعی بر نیرو های ارتجاعی چیره شدند و با این پیروزی ضربه سنگین بر پیکر حاکمیت استعمار نوین در این منطقه وارد ساختند. با تشکیل جنبه متحد نیرو های طرفدار حزب بعث و حزب کمونیست در عراق آغاز مرحله نوینی از نو سازی همه جانبه اجتماعی با دلیری علیه ارتجاع سیاه یعنی جنبه مرتجعین محلی مانند سلطان قلوب و سید رضا شاه به سرکردگی امپریالیست های امریکائی و انگلیسی قد بر افراشته و پیروزیهای چشمگیری بدست آورده اند و هم اکنون بیش از سه چهارم خاک میهن خود را آزاد کرده اند. در پاکستان رژیم سیاه ارتجاع یحیی خان با وجود پشتیبانی همه جانبه امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی رژیم سیاه شاه ایران از یک طرف و هجران چین که بمنافع خلیجها پشت کرده و با استعمارگران وابستگان آنها مانند شاه ایران و جعفر نمیری جنبه متحدی بوجود آورده اند مانند سرانی پوشالی فروریخت. در شرق آن جمهوری مترقی ملی پنکلا دث پیدا شد و در بخش غربی هیئت حاکمه فاکریر گریه در برابر خواسته های مردم و نیرو های هوادار پیشرفت و آزادی سیاست یحیی خان را ترک کند و چه در میدان سیاست خارجی و چه در زمینه حل دشواریهای داخلی سیاست روشن بینانه ای در پیش بگیرد. چیزی که بهیچوجه با سلیقه شاه ایران و طرفدارانش وفق نمیدهد و موجبات تشنج عصبی او را فراهم آورده است.

در افغانستان رژیم پوسیده سلطنتی بر چیده شد و اولین گامها در راه نوسازی ملی برداشته میشود. در ترکیه مرتجعین نظامی که چند سال قدرت دولتی را مستقیماً در دست خود گرفته و حقیقتاً سیاسی را بر کشور فرمانروا ساخته بودند در برابر نا خرسندی شدید مردم و بر اثر ناتوانی در حل دشواریهای درون کشور مجبور شدند از صحنه خارج شوند و جای را به حکومتی واگذار کنند که با پذیرش یکسلسله تعهدات دموکراتیک و ترقیخواهانه موفق شد در انتخابات سال گذشته از پشتیبانی اکثریت رأی دهندگان برخوردار گردد.

کمی دور تر از مرزهای ما در یکی از کانون های آتشی که بدست امپریالیست ها و تجاوز کاران اسرائیل افروخته شده بود که های ترازو بسود نیرو های آزادیبخش ملی عرب جابجا میشوند. با مبارزه دلیرانه مردم این منطقه و با پشتیبانی بیلغریغ اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی افسانه شکست ناپذیری اسرائیل بر باد رفت و علیرغم سازشکاری برخی از نیرو های ارزان و ناپیکگیر در جنبه عرب شرایط روز بروز برای پیروزی خلیفهای عرب این منطقه آماده تر میگردد. برای پیروزی خلیفهای که سالهاست مورد تجاوز فاشیستهای اسرائیلی که از پشتیبانی همه جانبه همه نیرو های سیاه جهان امپریالیستی برخوردار هستند قرار دارند.

با این رویدادها هم اکنون میتوان گفت که رژیم سیاه شاه ایران هر روز بیشتر همپالکی های خود جنبش کارگران جلوگیری بعمل آورد. با تصویب قوانینی نظیر «قانون مجازات اخلاکگاران در صنایع» و بسط تجربه تشکیل گارد محافظ از صنعت نفت و راه آهن به صنایع ذوب آهن و ماشین سازی و دیگر واحدهای عظیم صنعتی، دولت ایران فقط ماسک ضد کارگری خود را بیشتر بالا میزند. توسل به این اقدامات نشانه اعتراف زمامداران به شکست یرتامة تبلیغی و عوامفریبانه شرکت کارگران در سود و سهام کارخانه ها است که از اصول معتبر «انقلاب سفید» و پایه تئوری بوج و میندل رعایت یکسان منافع کارفرما و کارگر از جانب رژیم کودتا بشمار میرود.

آن زمان فرا رسیده است که طبقه کارگر ایران با تکیه به هسته مرکزی پرولتاریای متمرکز و پیشرو صنعتی در نفت - ذوب آهن - صنایع نساجی و نظایر آنها و با الهام از ره آورد های مبارزات انقلابی در جهان و ایران آوای خود را رساتر سازد و به ایفای نقش طبقه برای نوسازی جامعه ایران پر مبانی محور ظلم امپریالیستی - ملی و طبقاتی اقدام کند. از تشکیل گاردهای محافظ و تصویب قوانین ضد کارگری در این رهگذر همانقدر کار ساخته است که از خس و خاشاک در برابر سیل عظیم و خروشان جهان

را در کشور همدایه و نزدیک از دست میدهد. در درون کشور هم این رژیم ارتجاعی هر روز بیشتر تنها میشود. شما هم مانند ما گواه این پدیده بسیار نوید بخش هستید که اکنون در مهن ما نه تنها حتی آخرین فریفتگان از میان توده زحمتکش به مالیت ضد ملی این رژیم بی میروند بلکه بخشهای چشمگیری از طبقاتیکه از این رژیم بهره برده و میبرند بیشتر از ادامه این سیاست تبهکارانه شاه و ذوخیمان ساواکیش بهراس افتاده و از عواقب دهشتناک آن برای خود بیمناک میشوند و میکوشند حساب خود را از حساب شاه جدا کنند.

این پدیده خود بهترین گواه سستی روزافزون رژیم سکونی است. تشدید هر چه بیشتر روشهای جنایت آمیز علیه آزادیخواهان و میهن پرستان در داخل و تشدید تجاوز روشن و پوشیده نظامی علیه نیرو های آزادیبخش و ملی در منطقه یعنی تجاوز علنی در عمان علیه نیرو های انقلابیون قطر، ایجاد پیگیر حادثه های سرخنی علیه جمهوری عراق، تقویت جناح ارتجاعی جنبش کرد در آن کشور، تحرکات در بلوچستان پاکستان و شرکت در سرکوب جنبش رهائی بخش خاق اریتره، همه نشانه همین است که شاه و هوا درانش سستی پایه های فرمانروائی خود را در مییابند و بهر هرزگی و تبهکاری سیاسی دست میازند تا شاید بتوانند از سرنگونی خود جاوگیری کنند و یا دست کم آنرا دیر تر و دور تر سازند.

بدیگر سخن، ویژگی دوران کنونی کشور ما در اینست که از یکسو دشمن هر روز سست تر و بهمان اندازه درند تر میگردد و از سوی دیگر جنبش آزادیبخش ملی ما هر روز گسترش بیشتر پیدا میکند و در گسردنهای آن روشن بینی سیاسی گرایش به ۴۳ پیوستگی و شناسایی دوستان راستین و دشمنان خوش نفس و نگارشی از پیش گسترش مییابد و به پیش میرود. در چنین دورانی که هر روز شرایط عینی چه در سراسر جهان و بویژه در منطقه کشور ما و چه در درون کشور برای دگرگونیهای بنیادی در کشور که اولین گام آن سرنگونی رژیم کنونی است آماده تر میشود یگانگی و بهم پیوستگی گردنهای پراکنده جنبش آزادیبخش میهن ما نقش تعیین کننده پیدا میکند. تا آنهنگام که پراکندگی کنونی در جنبش بتراز کشد، شاه و ذوخیمانش بر اسب مراد خویش سوارند و آزاد مردان یا در شکنجه گاهها جان میسپارند و یا سینه هایشان را دگر بار مسلسل های آدمکشان رژیم چاک چاک میسازد. اختناق سیاه ادامه مییابد و بازار غارت و چپاول دسترنج و دارائی خانهای میهن ما

دنباله از صفحه ۱

۲۱ اردیبهشت - روز زندانیان سیاسی

و یا فواصل دیدار را طولانی و مدت آنرا کوتاه میسازند، از قبول غذا و لباس و هدیه برای زندانیان خود داری میکنند، هر چند گاه به زندانها یورش میبرند و وسایل معالمانه و تحریر را از آنان میگیرند، کتابها و لباسهای زندانیان را پاره میکنند، رادپوشان را می شکنند و پول و اشیا، شخصی شان را میزدند. زندانیانی که در جریان این پورهای گناه و بیگناه مقاومت بیشتری نمایند، یا به زندانهای عمومی اعزام میشوند و چاقو کشان و آدمکشان را بجان آنان میاندازند و یا به زندانهای انفرادی انتقال داده میشوند. شکنجه و ایداء زندانیان سیاسی حتی پس از صدور حکم محکومیت امری متداول است. در برخی از زندانها مانند زندان قصر، سرخه حصار، مشهد و شیراز سخت گیری نسبت به زندانیان سیاسی را بعد اعلا رسانده اند. در زندان شیراز زندانیان را هر چند نفر در زمینهای نمناک بی هوا و بی روشنائی زندانی کرده اند. غذای زندان کثیف و نامأ کول و غیر کافی است. نگهبانان از ورود کتاب و روزنامه به زندان جلوگیری میکنند دیدار با بستگان دیر بند و زیر کتبلر شدید نگهبانان انجام میشود. مأموران بدون هیچ دلیلی هر چند یکبار به سلولها یورش میبرند و وسایل شخصی زندانیان را بازرسی میکنند. بازداشت بستگان زندانی و اعمال فشار بر آنها برای درهم شکستن بانداری زندانیان سیاسی از روشهای معمول آدمکشان ساواک است. در زندان زنان رفتار مأموران با زنان و دختران زندانی وحشیانه است. هیچ خبری از مخاکمه و مدت محکومیتشان منتشر نمیشود و مدتی است که حتی حق ملاقات را از آنان سلب کرده اند.

همچنان گرم خواهد بود. تنها بهم پیوستگی همه نیرو های مبارز راه استقلال و آزادی و پیشرفت میتواند از این شرایط که هر روز بیشتر مساعد میشود در مناسب ترین لحظه بهره گیری کند و مبارزه خلاق را به پیروزی رساند. در این زمینه برای ما روشن است که برای رسیدن به یگانگی و بهم پیوستگی همگانی جنبش، نزدیکی هر چه بیشتر پیوستگی مهم این جنبش یعنی شما و ما و برای ریزی یک برنامه یگانه و برگزینی درست ترین شیوه ها در مبارزه ضرورت نخستین دارد.

از اینروست که ما برای گفتگو با شما باهدف پی ریزی برنامه همکاری دراز مدت ارزش ویژه ای قائل هستیم و هر لحظه برای آغاز این گفتگو آماده میباشیم. بنظر ما لحظه کنونی برای چنین گفتگویی بار آوری بسیار مناسب است. نا روشنائی هائی که در سالهای دراز در جنبش زحمتکش ملی میهن ما حاکم بود زیر فرمان سرپیچی ناپذیر تاریخ جای خود را هر روز بیشتر به روشن بینی سیاسی وامیگذارد. عوامل داخلی و خارجی که میکوشیدند سیاست حزب ما را دگرگون جلاوه دهند و با تمام نیرو تخم پراکنندگی و دو دستیگی را در میان زندگان جنبش آزادی بخش ما افشاندند رسوا شدند. حزب ما هم توانست با بررسی همه جانبه شرایط کنونی جامعه ایران و شرایط ذکر گون شونده جهان برنامه روشن خود را در باره تحول بنیادی جامعه کنونی ایران در جهت ملی و دموکراتیک تدارک و در دسترس همگان بگذارد که بهم پیوستگی برای همکاری همه گردانهای جنبش نجار. میهن ماقرار گیرد. این برنامه در عین حال پاسخ دندان شکنی است به بهانه های رنگارنگی که دشمنان آزادی و استقلال ملی علیه حزب ما منتشر کرده و میکنند. ما در این برنامه گفته ایم که بنظر ما سرنگون کردن رژیم کنونی گام ضرور برای حرکت بسوی دگرگونیهای بنیادی در میهن ماست.

ما در این برنامه با روشنی یاد آور شده ایم که برای سرنگون کردن رژیم کنونی هر شیوه ای را که در لحظه معین امکان پیروزی داشته باشد یعنی بتواند دشمن را ضعیف کند، آرایش نیرو ها و تفرقه را درهم شکند و امکان تظاهر وسیع عدم رضایت توده های مردم را که بدون شک پشتیبان و ضامن تحول بنیادی جامعه هستند بوجود آورد، درست میدانیم. ما در این برنامه این را هم ناکفته نگذاشته ایم که بنظر ما پیرو تلافی کردن نیرو ها را در شرایطی که هنوز شناس کافی برای پیروزی موجود نیست، خود

تمام هنر رهبری انقلابی در اینست که بتواند برای بکار بستن هر سلاح یعنی هر شیوه مبارزه، مناسب ترین لحظه را برگزیند و هر شیوه مبارزه را در لحظه ویژه بکار بندد که به دشمن بیشترین ضرر را وارد سازد و برای گسترش نیروی خودی راه تازه ای را هر اندازه هم تنگ و سخت گزوات باشد، بکشد. دوستان گرامی! ما با خوش بینی زیاد به آینده جنبش رهائی بخش ملی میهن عزیزمان و به دور نمای همکاری دراز مدت بین همه نیرو های واقعا ضد امپریالیستی و آزادیخواه نگاه میکنیم و امید داریم بتوانیم وظیفه خود را در این همکاری آزادیبخش بطور شایسته ای انجام دهیم.

عمل مشترک در برابر دشمن مشترک!

وظیفه همه نیروهای میهن پرست و آزادیخواه است که بمظهور همبستگی با مجاهدان زندانی و کمک به آنان به اقدام و عمل مشترک علیه دشمن مشترک، دست زنند. آیا اینکه دشمن سالیانست که در دست و مصلحتی و روحانی و چریک شهری را در زندان کنار هم نشانده است، کافی نیست که مبارزه این نیروها لا اقل در عرصه دفاع از زندانیان سیاسی هم میتواند به زندانیان سیاسی و خانواده هایشان یاری مؤثر رساند. وظیفه هر فرد میهن پرست و تمام سازمانهای مترقی مخالف رژیم است که با تمام نیرو در راه وحدت عمل بکوشند. در روز همبستگی با مجاهدان زندانی، حزب توده ایران از همه مردم دعوت میکند تا بانگ خود را علیه رژیم ترور و اختناق و برای رهائی زندانیان سیاسی بلند کنند و به خانواده های زندانیان باهر وسیله ای که در اختیار دارند یاری رسانند. درود به فرزندان پیکار جوی خلق که بندی رژیمند!